

آینة

اطلاعات

یادداشت: «تا به تهران نرسد…»؛ فتح‌الله املی

اخبرا خبرگزاری‌ها خبر دادند که سد لا ر و لتیان خشک شد. خبر بعدی اما کمی مهربتر از قبل بود. سد لا ر فقط ۱۸میلیون مترمکعب آب دارد و مناطق شرقی تهران پاییز سخی را در پیش دارند. ظاهرا خبری از کمبود آب در غرب تهران نیست، آنجا چند رودخانه از جمله فرح‌اد و به‌ویژه کن وجود دارند و نیز سد امیرکبیر یا سد کرج هم هست اما به‌زودی صای آن طرف شهر هم درمی‌آید. چرا وزارت نیرو و شهرداری هنوز که هنوز است برای جداسازی کنترهای آب در مجتمع‌های آپارتمانی که معیار مهمی برای تکنیک پرمصرف‌ها از کمصرف‌هاست اقدام کارسازی صورت نداده‌اند؟ ... چرا هنوز شهرداری در این کلاشهر مقرراتی همسو و متناسب برای کمک به حل بحران وضع نکرده است؟ از جمله محدودیت یا جریمه برای احداث وان‌ها و جکوزی‌های شخصی در منازل، محدودیت برای احداث واحدهای بزرگ و تشویق به احداث واحدهای کوچک و... هر بحرانی (خوشبختانه یا متأسفانه) تا به تهران نرسد انگار چندان جدی به حساب نمی‌آید!

ایران

سر مقاله: «قانون فصل‌الخطاب است»؛ بهمن کشاورز
اخیرا در محافل نشد شده است گروهی قصد دارد با تمسک به موضوع مبارزه با بدچجلی در سطح شهر پیاده یا با موتورسیکلت ضمن گذشتن، اقدام به «امرهمروق و نهی‌ازمنکر» کند
ظاهرا این افراد نیز تمایلی برای دریافت مجوز از وزارت کشور و استانداری تهران ندارند. آنها پیش‌تر هم گفته بودند برای گشت‌های موتوری خود انیز به مجوز ندارند، و از سوی دیگر مسوولان استانداری استان تهران و فرمانداری پایتخت هم گفتند! اکنون هیچ درخواستی از طرف این گروه در این خصوص ارایه نشده است. در حالی که حرکت‌های گروهی در دستجات مختلف و تحت هر عنوانی بدون مجوز از مراجع قانونی قابل‌قبول نیست و بدین لحاظ امکان برخورد قانونی با چنین گروه‌هایی وجود دارد.
در یک نظام قانونمند باید به حقوق فردی و اجتماعی افراد احترام گذاشت و حقوق شهروندی را محترم شمرد اما اگر عدای تحت هر عنوانی در گروه‌های چندنفری به پیله‌ارشارد مردم، قصد داشته باشند پیاده یا با هر وسیله‌ای در شهر گذشتنی کنند، کارشان مصداق راهپیمایی تلقی می‌شود و چنین برنامه‌هایی بدون داشتن مجوز رسمی از مراجع صالحه (وزارت کشور، استانداری و...) با قانون تطبیق ندارد
فوقهمچره و قوقضاییه،(وزارت کشور،دادستان، به‌عنوان مدعی‌العموم و نیروی انتظامی که ضابط فوقضاییه است) می‌توانند به اتهام اخلاف در نظم عمومی با آنها برخورد قانونی کنند.

انتق

یادداشت: «سایه سنگین بر مذاکرات هسته‌ای» علی خرم

ایران و آمریکا که در موضوع روسیه و اوکراین دچار سوءتفاهم شده بودند، فضای خالی به کشورهای عربی دادند که این سوءتفاهم را وسیع‌تر و قوی‌تر سازند تا جایی که ایران به اجلاس پاریس دعوت نشد و ایران و آمریکا علیه یکدیگر و علیه همکاری با هم موضع‌گیری کردند. این وضعیت تاثراتی پیش‌بینی نشده روی پیشرفت پروژه هسته‌ای خواهد گذاشت در صورتی که به‌موقع درمان نشود، مذاکرات تا سوم آذرماه به نتیجه مطلوبی نخواهد رسید. یقینا پروژه مهمی چون پروژه هسته‌ای که آینده و سرنوشت ایران به آن بستگی دارد، مواظبت و نگهداری فراوانی می‌طلبد تا از گزند مسایل سیاسی در منطقه و جهان بر حذر باشد. سیاست خارجی و مذاکره‌کنندگان کشورمان، سرمایه‌گذاری زیادی روی این پروژه کردند تا در دوران اعتمادسازی نزدیک شوند. کلیه فنون و آداب دیپلماتیک به کار گرفته شد تا توافقات این پروژه در فضایی آکنده از احترام و متقابل انجام شود. اگر اجزای توافقات بین ایران و گروه ۵+۱ هم ریزد، هیچ‌گاه نمی‌توان گفت دوباره و تحت چه شرایطی، جهان شاهد صلح، ثبات و آرایش خواهد بود.

کیم

سرمقاله: «جدایی اسکاتلند از انگلیس امروز یا فردا؟»؛ جعفر بلوری

امروز موعد برگزاری همه‌پرسی تجزیه و استقلال اسکاتلند از انگلیس است. طبق آخرین خبرهای رسیده از این کشور، هوادان استقلال و طرفداران یاقی‌ماندن در اتحاد، شانه‌به‌شانه هم حرکت می‌کنند و احتمال اینکه اسکاتلند، این منطقه نفخ‌تیز و ثروتمند به استقلال دست یابد نسبت به گذشته به طرز چشمگیری افزایش یافته.

چرا استعمار پیر و اروپا این‌قدر از این همه‌پرسی به وحشت افتاده‌اند و چرا یک «احتمال» اینگونه آنها را برآشفته است؟ ... سقوط پرستیژ انگلیس در مجامع بین‌المللی و تضعیف یا حتی لغو عضویت این کشور در سازمان‌های بین‌المللی نیز عوالمی هستند که به‌گفته خود انگلیسی‌ها یا «آری» گفتن اسکاتلندی‌ها به همه‌پرسی امروز، می‌تواند محقق شود... جنبش استقلال طلبانه اسکاتلندی‌ها با توجه به گستره و جدیت آن، حتی چنانچه در همه‌پرسی امروز به نتیجه نرسد، خاموش‌نشدن نخواهد بود.

وطن امروز

سر مقاله: «بریتانیا مرده است زنده‌باد آزادی!» شروین طاهری

از نگاه استقلال طلبان اسکاتلندی امروز پنجشنبه ۱۸ سپتامبر می‌تواند بهترین پنجشنبه ۲۰۷ سال اخیر باشد یا فقط یک پنجشنبه کاملا معمولی دیگر که آفتاب در آن با آرزوهای بزرگ طلوع می‌کند و ناامید به مغرب می‌رود... شاید این‌بار به‌صورت بین‌المللی و همزمان با سایر ملل تحت قیمومیت ملکه و بدنبال یک فروپاشی ساختاری شبیه آنچه هنگام فروپاشی شوروی شاهد بودیم. همین امروز می‌توان فریاد بریتانیا مرده است، زنده باد آزادی! را در خیابان‌های گلاسکو، ادینبورو، فالکریک، کاردیف و بلغاست شنید.

✎ بحث وحدت بین اصولگرایان این روزها

بسیار داغ است. اگرچه تجارب قبلی در حوزه ریاست‌جمهوری برای اصولگرایان چندان خوشایند نبوده است؛ از شورای هماهنگی به ریاست ناطق در سال ۸۴ گرفته تا سال ۸۸ که بعدا گفته شد مجبور شدند از احمدی‌نژاد حمایت کنند. برای انتخابات سال ۹۲ هم که باز نتوانستند به وحدت برسند. به نظر شما آیا این بار، این خواسته به نتیجه می‌رسد؟
با توجه به اینکه اصولگرایان در دو حوزه مجلس و شورای شهر در دوره‌های اخیر تجربه شکست نداشته‌اند و مسایلی چون ردصلاحت نامزدهای اصلاح‌طلب به برد آنها کمک کرده‌است، به نظر شما چرا آنها این همه دغدغه وحدت دارند؟ آیا بحث وحدت به مجلس آتی مربوط است یا چشم به ریاست‌جمهوری سه سال بعد دارد. در این صورت آیا این تلاش زود هنگام نیست؟

اعتقاد به وحدت بیش از آنکه بخشی از یک پروژه انتخاباتی باشد، برای اصولگرایان ارزشی اعتقادی دارد و نمادی از صحت مسیر و ارزشی‌بودن مسیرشان است. به عبارتی آنها از منظر تحلیل روانشناختی معتقدند اگر خدا و باورهای دینی و اعتقادی ملاک و انگیزه حرکتی آنان است پس نباید اختلافی داشته باشند زیرا اختلاف از منفعت‌طلبی و دنیاطلبی برمی‌خیزد. لذا در صورت نبودن وحدت، این دغدغه در ذهن آنها پدید می‌آید که آیا مسیر حرکت و نیت آنها الهی است؟! آیا اگر اختلاف هست این به‌معنای آن است که دنیا جای آخرت را گرفته است؟ اگر با اصولگرایان واقعی رفت‌وآمد داشته باشید درمی‌یابید که ضمیر ناخودآگاه آنان، جایگاه چالش دایم بین دین و دنیاست، گروهی مساله را برای خود حل کرده‌اند و سیاست را بخشی از کار دنیایی خود تعریف کرده‌اند مثل بسیاری از اصلاح‌طلبان حرفه‌ای، ولی نگاه دینی به سیاست در اعماق ذهن اصولگرایان هنوز زنده است، البته اکنون اصولگرایان تندرو که برای حذف رقیب به هر کاری دست می‌زنند و انتقام و کینه را در پیش گرفته‌اند، اما بخش بزرگی از اصولگرایان سنتی و معتدل چنین نیستند. رفتار مرحوم عسکراولادی را به یاد بیاورید، ملاک تشخیص کار درست از نظر او، آن نبود که در عمل چقدر موفق است یا چقدر هوادار پیدا می‌کند بلکه در پی آن بود که آیا برای عمل خود حجت الهی دارد و می‌تواند در داوری نهایی الهی از این دفاع کند یا خیر. برای همین واقعا معتقد سیاست دینی و دغدغه‌های آن هنوز در نزد اصولگرایان زنده است و در مقابل اصولگرایان تندرو که به‌جای رضایت الهی، انتقام از رقیب و کینه‌جویی را دنبال می‌کنند به رقبایی که موفقیت در جلب آرا را اصل می‌دانند و نه انجام تکلیف را نزدیک‌ترند و شاید بیش از آنها از مسیر سیاسی‌الهی دور!

به هر حال این دغدغه که «جان گران و سگان از هم جداست، متحد جان‌های شیران خداست» اصولگرایان را واداشته که برای ارزیابی درستی راه خویش به اتحاد به‌عنوان یک اصل بنگرند، اما نظر من آن است که این دغدغه ارزشمند به دلیل یک اشتباه موجب نگرانی و امتیاز دادن دست‌مستر اولگرایان و دنیاگرایان و کینه جربان پنهان‌شده در لباس اصولگرایی شده است. ملاک ما برای وحدت نباید ادعای افراد و گروه‌ها مبنی بر اصولگرا بودن باشد بلکه ما باید به اعمال افراد بنگریم و میزان تطابق آن با اصول و باورهای دینی را در نظر بگیریم، در آن صورت خواهیم دید ممکن است در مقطعی ما در سوزهای یک اصلاح‌طلب عاقل به اصول ما نزدیک‌تر باشد تا یک اصولگرای تندبا به عبارتی معنای اتحاد، وحدت اجباری گران شیرینما و شیران واقعی نیست، وحدت نه روی افراد بلکه باید روی اصول صورت بگیرد، آن هم اصول مبتنی بر باورهای پاک و عقلانی دینی. پس نتیجه انتخاب‌ها برای اصولگرای واقعی فرع بر انجام تکلیف است نه ملاک درستی یا دلیل انجام آن.

پیش‌بینی شما از این تلاش دوباره چیست، آیا به آن خوشبین هستید؟
از رحمت الهی نباید مأیوس شد. وحدت یک مسیر طبیعی است که از باورهای افراد شکل می‌گیرد، افرادی که باورها و نگرش‌های همسو دارند - ولو فرسنگ‌ها با هم فاصله داشته باشند - در روند وحدتند و به هم

سیاست

امیر محیبان در گفت‌وگو با «شرق»:

پیروی «پایداری»ها از مصباح مشروط به کسب قدرت است

مهسا جزینی



امیر محیبان در نشست خبری

این روزها در اردوگاه اصولگرایان چه خبر است؟ برنامه‌شان برای وحدت چیست؟ ارسال کارت دعوت وحدت برای آیت‌الله مصباح و چراغ سبز نشان دادن به قالیباف؟ جایگاه جبهه پایداری در اردوگاه اصولگرایی و در عصر دولت اعتدال و تدبیر کجاست؟ پایداری‌ها چطور می‌خواهند به حزب تبدیل شوند در حالی که آرای پدر معنویشان در گذشته همواره در تضاد و تعارض با حزب بوده است. «امیر محیبان» استاد فلسفه غرب دانشگاه، موسس حزب نواندیشان و مدیرعامل خبرگزاری آریا که از گذشته به ثورر پسین اعتدالگرای جناح راست معروف بوده به پرسش‌های ما در ارتباط با اردوگاه اصولگرایی پاسخ داده است.

جذب می‌شوند ولی آنها که باورها و نگرش و دغدغه متفاوت دارند، ولو در کنار هم باشند از هم دورند. پس وحدت فرآیند پویا و درونی است نه پروژه‌ای مکانیکی و مصنوعی. متأسفانه دوستان ما در جریان اصولگرایی اصرار دارند افرادی با دغدغه‌ها و نگرش‌های کلاما متفاوت را به هر قیمتی ولو ستاندن حق همراهان آرام و دامن به همانمان ناآرام چنان باج، وحدت ایجاد کنند این غلط و حتی ناعادلانه است. به عبارت بهتر اصولگرایان وقتی نمی‌توانند با گروهی به وحدت برسند نباید به باور خود تردید کنند بلکه باید به طرف اتحاد خود و نیت آنها شک کنند، ولو آنها خود را اصولگرای ناب‌بنامند.

✎ **با وجود اینکه آیت‌الله مصباح بارها موضوع خود را در خصوصی وحدت اصولگرایی اعلام کرده اصرار اصولگرایان برای رفتن به‌سرآغ ایشان چیست؟ وزن ایشان در جبهه اصولگرایی مگر چقدر است؟ آیا به نظر شما موفق می‌شوند که نظر ایشان را با توجه به اینکه آخرین بار هم ایشان بر همان گزینه اصلا، خود تأکید کردند و گفتند که نگاه‌شان به انتخابات لزوما نگاه معطوف به برد نیست، جلب کنند؟**

آیت‌الله مصباح شخصیت علمی ارزشمندی هستند ولی

هیچ‌کس برتر از باورهای دینی و فراتر از حق نیست، هیچ‌کس در حال حاضر ملاک حق نیست بلکه حق است که همگان با آن سنجیده می‌شوند. وزن افراد هم ملاک حقانیت نیست ولو وزن اجتماعی و بدنه رای، نه تعداد هوادار، فردی را واجد حقانیت

می‌کند و نه فقدان هوادار فردی را باطل. اگر علی یک نفر در جهان باشد حق است و اگر معاویه تمام دنیا را با خود داشته باشد، پس وزن اجتماعی ملاک حقانیت نیست البته ملاک مقبولیت هست. تکرار می‌کنم اصولگرایان باید اصول خود را بازتعریف کنند سپس همه افراد و گروه‌ها را به روشنی می‌توانند دسته‌بندی کنند،ابهام در مفاهیم و تعریف‌شاخصه‌های اصولگرایی موجب ابهام در عمل شده است.

✎ **به نظر می‌رسد آقای قالیباف که در حال نزدیک کردن خود به اصولگرایان با نگاه به ریاست‌جمهوری آینده است پالس‌هایی مبنی بر التزام به ارزش‌ها و اصول اصولگرایی از سوی‌اش صادر شده و تشویق‌هایی که از سوی اصولگرایان در زمینه بحث تکنیک جنسیتی صورت گرفته هم تغییر به استقبال از او شده‌است، با این گزاره چقدر موافقتی و موفقیت قالیباف را چطور پیش‌بینی می‌کنید؟**
قالیباف از لحاظ فیزیکی در زمره اصولگرایان بوده

نگاه

ایران – روسیه، فرصت‌های پیش‌رو

روزبه سعیدیان

زیربنایی که توان تحركبخشی به اقتصاد هر دو کشور را مدنظر دارد، از جمله این موارد است. تحقق چنین فرآیندی رفتاری صادقانه، جدی، شفاف و سازنده طلب می‌کند؛ امری که محقق شدن آن با توجه به سوابق روابط، به اراده طرف روس متکی است.

چنانچه مهم خواهد بود به این نکته نیز توجه شود که در سایه توسعه مبادلات و همکاری‌های علمی، تکنولوژیک و دیگر مشارک‌تهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان دو کشور و تعمیم این فرآیند به سایر همسایگان از طریق احیای مسیر شرق به غرب (راه ابریشم) و شمال به جنوب از طریق ایران، همکاری‌های منطقه‌ای نیز بنا به مصالح و منافع مشترک توسعه خواهد یافت. حوزه‌های گردشگری، مبادلات بازرگانی - تجاری، ارز مشترک، کشاورزی، حمل‌ونقل، صنعت‌ومعدن، انتقال فناوری، برق و انرژی، نفت و پتروشیمی و... زمینه‌های مناسب دیگری برای توسعه مبادلات و همکاری‌های اقتصادی است.

نکته دیگر اینکه در شرایط کنونی، بحران و جنگی سوبانه در منطقه از سوی افراط‌گرایان و مخالفان ثبات و صلح، خصوصا در افغانستان، عراق، سوریه، فلسطین و مرز لبنان در جریان است. بحران کنونی به‌وضوح این

وزیر علوم همچنان فکر می‌کنید که اصولگرایان به این تغفل رسیده‌اند که باید تندرورها را از خود دور کنند؟
با توجه به اصراری که بر حضور آیت‌الله مصباح برای وحدت دارند به نظر می‌رسد که تندرورها همچنان در جبهه اصولگرایی دارای وزن‌هاند.

وقتی که وزن‌های تعادل پخش اصول و باورهای خویش را از دست بدهیم، چون برگ افتاده از درختی با هر نسیمی جابه‌جا خواهیم شد. هیچ تدرربی نباید بتواند یک اصولگرا را از مسیر خارج کند، ولی واقعیت آن است که فعلا تندرورها به‌راحتی اصولگرایی را از تعادل خارج می‌کنند و این دلیل آن است که معتقدم اشکالی وجود دارد. ما باید بازنگری کنیم. عقلانیت جزو اصول است، تدرروی خلاف عقل برخلاف اصول ماست، اگر با یکی، دو شعار سطحی احساس می‌کنیم عقب مانده‌ایم و شعارهای تندرناوه می‌دهیم دلیل آن است که ملاک و معیار را از دست داده‌یم.

✎ **آیت‌الله مصباح از آنکه بخشی از قدرت نگاه خاصی دارد در حالی که همواره در مذمت حزب سخن گفته بود و معتقد است که حزب در چارچوب اندیشه و حکومت اسلامی نمی‌گنجد و ما در اسلام شورا داریم اما حزب نداریم اما اخیرا که بحث تبدیل این جبهه به حزب مطرح شده‌است، آقای سقایی‌ری‌با گفته است که ایشان با حزب مخالف نیستند بلکه با احزاب غربی که تنها هدفشان کسب قدرت است مخالفند. آیا می‌توان گفت که آیت‌الله مصباح کمی به عملکردی نزدیک‌تر شده است؟ آیا تجربه شکست سال ۹۲، عامل تغییر رویکرد او نسبت به تحزب بوده؟ و همین باعث نمی‌شود احتمال بدبین امکان همگرایی و نزدیک‌شدن او به برخی اصولگراییانی که قبلا با آنها زاویه داشت - مثل قالیباف - امکان‌پذیر شود؟**

یکی از اشتباهات جدی آن است که دغدغه‌ها و طرف فعالیت آیت‌الله مصباح را با پایداری یکی بدانیم. آیت‌الله مصباح آرمانگرایی است که از طرف عمل و کسانی چون پایداری برای پیشبرد باورهایش بهره می‌گیرد، در حالی که پایداری همگرایی هستند که از دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح به‌عنوان پوشش ایثنولوژیک استفاده می‌کنند، شاید ادبیات هر دو یکی باشد ولی دغدغه‌های دو طرف کاملا متفاوت است. در عمل خواهید دید پایداری‌تا زمانی که دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح آنها را به قدرت نزدیک می‌کند از یک دوست، به قالیباف و اصولگرایان دارای مسوولیت در حوزه سیاست و اجرا توصیه می‌کنم از دریچه اصول به سیاست بنگردن نه از دریچه سیاست به اصول، تا از تناقض در رفتار و اعوجاج اعتقادی مصون باشند.

✎ **اصول آنچه از نگاه آیت‌الله مصباح - با تفسیر آقای سقایی‌ری‌با دربار تحزب - بدون اینکه هدفش کسب قدرت باشد- گفته می‌شود، در ادبیات سیاسی مدرن چطور قابل پذیرش است؟ جبهه پایداری دارای شورای فقیهان است، آنها قرار است همین چارچوب را داخل حزب جبهه پایداری حفظ کنند. با توجه به اینکه قرار نیست شورای مرکزی تصمیم‌گیر نهایی باشد و تصمیمات باید به تایید شورای فقیهان برسد چنین عملکردی در یک سازوکار حزبی چگونه قابل پذیرش و شدنی است؟**

بحث بر سر سازوکار اداره حزب با فقیهان یا بی‌فقیهان نیست، اینان صورت ابزاری چون حزب را در ماهیت آن دخلی می‌دانند یعنی معتقدند که حزب ابزار غربی است و ماهیت تمدن غرب در آن عجین است بنابر این نمی‌تواند در مسیر اسلامی قرار گیرد. این دیدگاه مخالفان جدی حتی از میان فقیهانی چون آیت‌الله بهشتی دارد، ضمن آنکه تناقضات فلسفی در ماهیت آن نیز وجود دارد، ولی این مساله همانطور که گفتیم برای پایداری مهم نیست زیرا دغدغه عمل دارند نه تئوری! برداشت من آن است که حزب و امثالهم نه خوب است و نه بد، بستگی به نتایج و جهت حرکت آن دارد. اگر نگرش «مولود خبیث غرب» را به حزب داشته باشیم به آسانسور و داروهای غربی هم باید همین نگاه را داشته باشیم ولی نداریم!

ادامه از صفحه اول

پنجمین سال فراق رفیق شفیق

نه‌تنها باذوق بود و به لحاظ علمی، به کار تسلط داشت به لحاظ حسی هم واقعا آفریننده بود. ما سال‌های درازی را با هم سپری کردیم و به اصطلاح دیگر با هم قاضی شده بودیم.

راستش را بخواهید در ماجرای اختلافش با شجریان، مقصر را مشخصاتیی می‌دانم، با اینکه او دوست صمیمی من بود اما انصاف نیست شجریان را با آن درایت و دانایی مقصر بدانیم. این را بدانید که هنرمند، همیشه حساس‌ترین فرد جامعه است، همانطور که وقتی دختری به «اونسان ون گوگ» گفت چقدر گوش‌ات زیباست و او گوشش را برید و تقدیم آن دختر جوان کرد، مشخصاتیان هم از آن دست هنرمندان بااخلاق اما آسیب‌پذیر بود. من او را نمونه یک انسان پاک‌باخته می‌دانم که در اواخر عمر، به خانوادهاش بازگشت اما دیگر اجل مهلتش نداد. او همین‌طور سه قطعه از نقاشی‌های مرا به نام‌های صبح مشتاقان، افشاری مرکب و آفاق مهر، برای جلد و پوستر آ‌نارش انتخاب کرده بود.

پیشنهاد روحانی؛ همچنان اثر گذار

معمولا دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی بعد از تصویب قطعنامه‌ها در مجمع‌عمومی و دیگر ارکان سازمان ملل، بررسی‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی در ارتباط با نحوه اجرای آن قطعنامه‌ها انجام می‌دهند و دستورالعمل‌هایی به دوایر ذی‌ربط ارسال می‌کنند. در اغلب موارد، دستگاه‌های اجرایی در دولت‌های شوراهای اجرایی در نهادهای بین‌المللی طرح‌های برای عملی‌کردن محتوای قطعنامه‌ها تدوین و بخش‌های ذی‌ربط را مامور انجام اقدامات لازم می‌کنند.

عنایت به این نکته مهم، ضروری است که نمایندگان کشورهایی که در تدوین قطعنامه مربوط به «جهان علیه خشونت و افراطی‌گری» شرکت کردند به این نکته مهم توجه داشتند که مبارزه با افراطی‌گری و خشونت، قبل از هر چیز مستلزم اصلاح فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها و ذهنیت‌ها در جوامع و مناطق مختلف است. به همین دلیل، در قطعنامه توجه ویژه‌ای به نقش نظام‌های آموزشی، رسانه‌ها، نهادهای دینی و مدنی و انواع هنرها مبذول می‌شود. از آن مسوولان در این حوزه‌ها خواسته شد تا با اتخاذ تدابیر لازم در این حوزه‌ها و ایجاد اصلاح یا اعمال تغییرات اساسی در محتوای این حوزه‌ها، امکان مبارزه هدفمند و ریشهای از خشونت و افراط را فراهم آورند. بدیهی است توجه این قطعنامه به مبارزه با خشونت و افراط نه‌فقط در سطح جریان‌های سیاسی و تک‌تیری بلکه در همه سطوح و از جمله در سطح خانواده، شهر، محیط کار، در رابطه بین اقلیت و اکثریت در جوامع و... است. بنابر این روشن است که برنامه‌ریزی در سطح دولت‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی ملی و فراملی می‌تواند شامل حوزه‌ها و بخش‌های اجرایی و وسعی شود.

تصویب این قطعنامه باعث شد که این موضوع در سخنرانی بسیاری از سران کشورها در مجامع مختلف، جایگاه ویژه‌ای داشته باشد و جلسات متعددی نیز در کشورهای عضو ملل متحد در این رابطه برگزار شود. از جمله قرار است در حاشیه نشست مجمع‌عمومی در سال جاری، نشست ویژه‌ای تحت‌عنوان «تکثیر تعامل چند-جانبه برای مقابله با افراط‌گرایی» توام با خشونت» برگزار شود. در کشورمان نیز در آذرماه سال جاری سیمیناری تحت‌عنوان «اولین نشست بین‌المللی در مورد جهان عاری از خشونت و افراطی‌گری» برگزار خواهد شد. این اقدامات به‌تدریج زمینه را برای پرداختن به ریشه‌های سیاسی و اقتصادی این پدیده نامیمون فراهم می‌کند که طبعا چندان خوشایند برخی قدرت‌های بزرگ نخواهد بود. از نظر اجرایی در سطح سازمان ملل متحد باید در نظر داشته باشیم که مطابق بند ۱۴ قطعنامه، قرار است موضوع «جهان علیه خشونت و افراطی‌گری» مجددا در هفتادمین نشست مجمع‌عمومی در سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵) مطرح و با توجه به تحولات و اقدامات در فاصله دوساله بعد از صدور قطعنامه اول، قطعنامه دومی در این رابطه صادر شود.

نخ نامریی تسبیح مردمسالاری

حزب کارگر وعده داده بود،اگر به قدرت برسد موضوع استقلال استرالیا بر بریتانیا و جمهوری‌شدن آن کشور را به همه‌پرسی خواهد گذارد. آن حزب در انتخابات برنده شد و رفرواندهم صورت گرفت. بیش از ۶۰٪ مردم استرالیا، رای دادند که نمی‌خواهند این کشور، یک جمهوری مستقل شود. همچنانکه دو روز پیش هم بیش از نیمی از مردم اسکاتلند، رای مشابهی دادند در واقع، نخ تسبیح نامریی که باعث می‌شود با وجود آن همه تبلیغات ملی‌گرایان و موافقان جدایی اسکاتلند از بریتانیا، مردم اسکاتلند ترجیح دهند مستقل نشوند و جزئی از بریتانیا باقی بمانند، دموکراسی است. قیقا اگر امروزه هزاران جدایی‌طلب اسکاتلندی به‌واسطه فعالیت‌های جدایی‌طلبانه در زندان‌های انگلستان به سر می‌برند یا به جای حاکمیت دموکراسی، همواره در معرض محدودیت قرار گرفته بودند، آیا همچنان رای به باقی‌ماندن با انگلستان را به صندوق می‌ریختند؟ چه بخواهیم چه نخواهیم، جامعه بریتانیا آفت‌در توسعه یافته و حاکمیت قانون در آن کشور پررنگ است که وقتی همه‌پرسی برگزار می‌شود، اکثریت دلیلی بر جدایی از بریتانیا نمی‌بینند، همچنان که چندسال پیش، استرالیایی‌ها هم دلیل برای جدایی پیدا نکردند. گذشته‌هه مردم جهان، همان احترام به قانون و قواعد مردمسالاری است.